



افسوس که علم الاسماء ابن عربی را درنیافتند/تاریخ؛ تجلی اسماء الهی

محمد رجبی عنوان کرد: در هر دوره ای از تاریخ اسمی از اسماء الهی ظهور و غلبه دارد که می توان بر اساس آن، تاریخ آن دوره را نوشت و هگل سعی کرده این کار را انجام دهد.

محمد رجبی عنوان کرد: در هر دوره ای از تاریخ اسمی از اسماء الهی ظهور و غلبه دارد که می توان بر اساس آن، تاریخ آن دوره را نوشت و هگل سعی کرده این کار را انجام دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، همزمان با شانزدهمین سالگرد درگذشت سید عباس معارف، پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان، اولین روز کنگره بررسی و شناخت آثار و افکار سید عباس معارف با حضور اندیشمندان برجسته چهارشنبه ۲۸ آذرماه در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

«محمد رجبی» در این مراسم گفت: اولین فلسفه زمان مند مسلمانان که میانی خود را رسماً از قرآن و وحی گرفته بود و نام عرفان نظری را گرفت، به وسیله ابن عربی حکیم و عارف آندلسی در جهان اسلام پدید آمد که در آن روزگار به صورت برق آسا در تفکر شرق و غرب دنیای مسلمانان، از اسپانیا تا آسیای میانه تأثیر گذاشت. کتاب فصوص الحکم او که خودش آن را الهام الهی با واسطه پیامبر اکرم(ص) در مکاشفه و شهود قلبی در رویا می دانست، نه تنها جهان طبیعت و انسان را تاریخی می داند، بلکه وجود را نیز دارای خصلت سیر و زمان مندی می داند که در هر دوره ای از تاریخ جلوه و ظهور خاصی دارد.

این پژوهشگر فلسفه افزود: ادوار مختلف تاریخ چیزی جز تجلیات و مظاهر اسماء الهی نیستند. در هر دوره ای اسمی از اسماء الهی ظهور دارد که حقیقت و صورت نوعیه هر دوران به شمار می روند و به مسایل آن زمان فرم و شکل می دهند و ماهیت آن دوران را متمایز می کنند. عبدالرحمن جامی که یکی از شارحان مشهور فصوص ابن عربی است این نکته را به زیبایی بیان می کند:

درین نوبتگاه صورت پرستی/ زند هر کس به نوبت کوس هستی

حقیقت را به هر دوری ظهوری ست/ ز اسمی بر جهان افتاده نوری ست

اگر عالم به یک دستور ماندی/ بسا انوار، کان مستور ماندی

محمد رجبی سپس عنوان کرد: در هر دوره ای از تاریخ اسمی از اسماء الهی ظهور و غلبه دارد که می توان بر اساس آن تاریخ آن دوره را نوشت و هگل سعی کرده این کار را انجام دهد. اسماء الهی یا اسماء لطف است و یا قهر. دوران لطف، دوران حسن است و دوران قهر، دوران جنگ. این نکات حکمی مستقیماً از نص قرآن مجید اخذ شده که آیات آن با تقابل سمبلیک نور و ظلمت، سلامتی و بیماری، بهشت و جهنم و ... گویای مقابله ادوار لطف و قهر الهی است. البته به تصریح مکرر قرآن، آن چه خداوند برای تمام مخلوقات و از جمله انسان مقدر فرموده جز لطف و خیر نیست، ولی انسان این اختیار را دارد که با پس زدن خیر که عین لطف الهی است وضعیت را به شر تبدیل کند.

وی اضافه کرد: سوال اینجاست که ما در دوران لطف در تاریخ، ظهورات قهر را نیز می بینیم. مثلاً در دوره پیامبر(ص) یابالعکس. پاسخ این است که وقتی اسمی ظهور می کند اسم قبلی غایب می شود. وقتی اسمی غایب می شود، معنایش این نیست که نابود و معدوم شده بلکه وجود دارد. در حکمت، وجود منشأ اثر است یعنی هر چیزی که وجود داشته باشد، آثاری از خود نشان می دهد. اسامی دیگر ظهوراتی دارند، اما تحت الشعاع قهر قرار می گیرند یا بالعکس.

رجبی افزود: حافظ این مسأله را به زیبایی بیان کرده:

در کارخانه عشق از کفر ناگزیر است/ آتش که را بسوزد گر بولهب نباشد

یا در جای دیگر می گوید:

در این چمن گل بی خار کس نچید آری/ چراغ مصطفوی با شرار بولهبی ست

درست است که گل خار دارد، اما غلبه با گل و عطر آن است. بنابراین اسماء معدوم نمی شوند، ولی مورد سوء استفاده حاکمان زمان قرار می گیرند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: این نکات را در آیات قرآن می بینیم. به عنوان مثال در آیه ۱۴۰ سوره عمران می فرماید که این روزگاران را میان مردم به دَوَران در می آوریم. یا در آیه ۲۹ سوره الرحمن می گوید هر زمانی خداوند در وضع دیگری است. همچنین در آیه ۲۶ سوره عمران می فرماید بگو خداوند ای دارنده هستی! هستی را به هر که می خواهی می بخشی و از هر که می خواهی باز می گیری.

محمد رجبی سپس عنوان کرد: این نکات را ابن عربی در کتاب فصوص الحکم به تفصیل بیان کرده است. به همین دلیل کتاب او پس از تفاسیر فراوان قرآن بیشترین شروح را در تاریخ اسلام دارد که از هزار شرح نیز فراتر رفته است. افسوس که فیلسوفان مسلمان و حتی عرفا و متصوفه آن چنان که باید علم اسماء تاریخی ابن عربی را به جان در نیافتند و در همان دو کفه ترازوی فلسفه افلاطونی به عنوان حکمت اشراق و فلسفه ارسطویی به نام حکمت مشاء تثبیت شدند. شاید تنها ملاصدرا را بتوان مستثنی شمرد که با طرح حرکت جوهری در فلسفه خود تا حدودی به زمان مندی حکمت ابن عربی نزدیک شد. هرچند هرگز به مسأله بنیادین علم اسماء تاریخی و ادوار تاریخی او نپرداخت.